و چون امر [پیامبرى‌] را به موسى واگذاشتیم، تو در جانب غربى [طور] نبودى و از گواهان [نیز] نبودى. (44) لیکن ما نسلهایى پدید آوردیم و عمرشان طولانى شد. و تو در میان ساکنان [شهر] مَدْین مقیم نبودى تا آیات ما را بر ایشان بخوانى، لیکن ما بودیم که فرستنده [پیامبران‌] بودیم. (45) و آندم که [موسى را] ندا دردادیم، تو در جانب طور نبودى، ولى [این اطّلاع تو] رحمتى است از پروردگار تو، تا قومى را که هیچ هشداردهنده‌اى پیش از تو برایشان نیامده است بیم دهى، باشد که آنان پندپذیرند. (46) و اگر نبود که وقتى به [سزاى‌] پیش‌فرست دستهایشان مصیبتى به ایشان برسد، بگویند: «پروردگارا، چرا فرستاده‌اى به سوى ما نفرستادى تا از احکام تو پیروى کنیم و از مؤمنان باشیم» [قطعاً در کیفر آنان شتاب مى‌کردیم‌]. (47) پس چون حق از جانب ما برایشان آمد، گفتند: «چرا نظیر آنچه به موسى داده شد، به او داده نشده است؟» آیا به آنچه قبلاً به موسى داده شد کفر نورزیدند؟ گفتند: «دو ساحر با هم ساخته‌اند.» و گفتند: «ما همه را منکریم.» (48) بگو: «پس اگر راست مى‌گویید، کتابى از جانب خدا بیاورید که از این دو هدایت کننده‌تر باشد تا پیرویش کنم.» (49) پس اگر تو را اجابت نکردند، بدان که فقط هوسهاى خود را پیروى مى‌کنند؛ و کیست گمراه‌تر از آنکه بى‌راهنمایى خدا از هوسش پیروى کند؟ بى‌تردید خدا مردم ستمگر را راهنمایى نمى‌کند. (50)